

علیرضا قاسمی؛ نویسنده «نیوکاسل» از این فیلم به «صبا» می گوید

عمارتی که جامعه را در خودش جا داده است!



فاطمه رستمی
گفت و گو

سینمای ما به شدت سرمایه گذار سالار است

برداشت‌های سیاسی و سوء تفاهات خیلی چیزها را تغییر داد، مثلاً شخصیتی که در آخر فیلم می آید و داریوش اسدزاده نقشش را بر عهده دارد اسمش «شازده» بود و به ما ایراد گرفتند که شما آدمی را تصویر کرده اید که از خارج می آید و روی زندگی مردم اثر می گذارد در حالی که اصلاً هدف من این نبود. به هر حال فیلمنامه تازمانی که تبدیل به فیلم سینمایی شود آنقدر پاره پاره می شود که شکل اولیه اش را از دست می دهد. حتی بازیگرها هم این روزها در فیلمنامه دست می برند. امروز سینمای ما به شدت سرمایه گذار سالار است و حتی تهیه کنندگان هم نقش زیادی در کار ندارند. همه این عوامل روی کمدی ما اثر گذار بوده است. با توجه به این که مدتی است گروه بندی سنی در سینما و اکران فیلم ها جدی گرفته شده، فکر می کنید شما به عنوان نویسنده در زمان نگارش فیلمنامه دچار خودسانسوری یا محافظه کاری خواهید شد؟

فکر می کنم غیر از یک سری فیلم های خاص مثل ژانر وحشت و... که رده بندی سنی دارد، بقیه آثار باید با مخاطب به طور کلی ارتباط برقرار کند و هر فیلمی که بتواند سطح گسترده ای را راضی نگاه دارد، اثر خوبی است. اول از همه مردم عام باید از کار خوششان بیاید و وقتی بعد از دو ساعت از سالن خارج شدند راضی باشند، مثل پدر و مادرهای ما که خیلی حرفه ای سینما را دنبال نمی کنند. سطح دیگر مخاطبان سینما، دانشجویان یا افرادی هستند که دنبال نوع روایت و ساختار تازه می گردند و نوع بازی ها، کارگردانی، دکوپاژ، قاب بندی و... را در نظر دارند. کسانی که تحصیلات سینما و تئاتری دارند بیشتر به این وجوه توجه دارند. گروه دیگری از مخاطبان، منتقدان سینمایی هستند که معمولاً دنبال زیر متن های اثر هستند و به صورت تحلیلی به ماجرا فکر می کنند. اگر فیلمی همه این افراد را راضی کند موفق بوده است.

عهده دارد و گروه موسیقی زیرزمینی که دقیقاً در زیرزمین خانه زندگی می کنند، دانشجوی پزشکی که طبقه بالای ساختمان زندگی می کند و... همه می توانند نمادی از آدم های اجتماع باشند. با وجود این که تکلو کیشن هستیم و تعداد کاراکترها زیاد بود سعی کردیم به تیپ نزدیک نشویم و کاراکترها به صورت شخصیت باقی بمانند. طراحی شخصیت همیشه خیلی سخت است و سعی کردیم آن ها را به صورتی طراحی کنیم که خاکستری باشند یعنی خوب و بد را باهم ببینیم. نویسنده روسی می گفت: ای کاش رودخانه ای مثل نیل ساخته می شد و آدم های بد آن سوی رود و خوب ها در طرف دیگر رود باشند، اما نویسنده می گوید این رود به حدی باریک است که از قلب هر انسانی می گذرد و مرزی برای انسان ها نمی توان قائل شد. ما، هم می توانیم انسانی پرهیزگار باشیم، هم شیطانی درون ماست که می تواند ما را تبدیل به آدم بدی کند. بسته به شرایط، خوب یا بد می شویم.

در فیلم سینمایی «نیوکاسل» با نوعی کمدی رمانتیک روبه رو هستیم، اما پایان بندی فیلم به صورتی است که اثر را به سمت کمدی تلخ هم می برد. در مورد این نوع کمدی برای مخاطبانی که شاید فیلم شما را ندیده باشند توضیحی دارید؟

فیلمنامه اولیه ای که به سرمایه گذار دادم حدود ۵۰ درصد تغییر کرد. ممیزی های ارشاد باعث شد که سه بار ایده را بازنویسی کنیم. احساسات و تجربه های زیستی من که در فیلمنامه اولیه وجود داشت و اگر ساخته می شد اتفاق خیلی خوبی رخ می داد، به واسطه نگاه سلیقه ای اعضای محترم پروانه ساخت موجب بازنویسی چندباره اثر شد و هر بار از شدت کمدی کم کردیم هر چند ما سعی کردیم به بهترین شکل ممکن کار را ارائه دهیم، اما موانع زیادی برای رسیدن به کمدی مطلوب ما وجود داشت. امروز همه خودشان را فیلمنامه نویس می دانند و کاری به الفبا و اصول این کار ندارند. در سینمای ایران ما بیشتر نویسنده-کارگردان داریم و نویسنده مستقل خیلی کم است. متأسفانه

بود که فیلم به سمت کمدی برود. زبان کمدی می تواند از سیاهی یا تلخی فضای کار کم کند. من و یکی از دوستانم هم کم کم حس کردیم کمدی در این قصه جواب می دهد. استاد من سعید قطبی زاده هم حرف خوبی می زند و می گوید در سال های اخیر ژانر تازه ای به سینمای ایران وارد شده تحت عنوان ژانر نکبت و مردم مدتی فیلم هایی پر از سیاهی و تلخی می دیدند و چیزی بر آن ها افزوده نمی شد و تنها شاهد مشکلاتی شبیه به زندگی شخصی خودشان بودند. به همین دلیل من می گویم هر نوع ژانری باید در سینما باشد تا مخاطب خاص خودش را تامین کند، اما متأسفانه سینماگران از هم دنباله روی اشتباه می کنند مثل اینستاگرام که یک دفعه در حمایت از یک سلب ریتی خاص، پر از عکس و مطلب می شود! سینمای ما هم همین وضع را دارد و فیلمسازان یک دفعه به سمت ژانر کمدی یا اجتماعی می روند و به نظرم این مسئله اصلاً جالب نیست. سینما باید آنقدر تنوع داشته باشد که بیننده راحت انتخاب کند. از بین فیلم هایی که روی پرده هستند شاید تعداد محدودی از فیلم ها برای مخاطب جذابیت داشته باشد و در ذهن شان باقی بماند به این دلیل که نه بازی ها جذاب است نه کارگردانی و... من نمی گویم این کارها سخیف است، اما رسالت سینما که ایجاد شگفتی، سوال و توجه است در این نوع کارها وجود ندارد و صرفاً بیننده ساعتی را در سالن سینما می گذراند و بدون این که چیزی به او افزوده شود از سینما بیرون می رود.

در فیلم سینمایی «نیوکاسل» تعدد بازیگر وجود دارد در حالی که فیلم تکلو کیشن است. طراحی این تعداد کاراکتر در فضای محدود، کار شما را به عنوان نویسنده سخت نمی کرد؟

در نسخه اولیه فیلمنامه قرار بود ایران کوچکی بسازیم البته نه مثل نگاهی که شورای پروانه ساخت وزارت ارشاد به فیلمنامه داشت بلکه می خواستیم فیلمی با اقبال خاصی از اجتماع بسازیم که هر کدام نمایانگر طیفی از جامعه باشند. شخصیت «فرید» به عنوان کاراکتر اصلی فیلم و نقشی که نسرين مقابلو بر

فیلم سینمایی «نیوکاسل» به کارگردانی محسن قصابیان، تهیه کنندگی علی آشتیانی پور و به نویسندگی علیرضا قاسمی در حال اکران است. در خلاصه داستان فیلم آمده است: فرید ساعت ۹ صبح باخبر می شود که صاحب عمارت قدیمی شده و ۹ شب به فرودگاه می رسد. حالا او و ساکنانی که فرید بدون اطلاع صاحب خانه آن ها را به عمارت آورده، تنها ۱۲ ساعت فرصت دارند تا خانه را خالی کنند اما...

در این فیلم حمید گودرزی، بهرام افشاری، نسرين مقابلو، سحر قریشی، رضا ناجی، نیما شاهرخ شاهی، رز رضوی، پژمان بازغی و... حضور دارند. با علیرضا قاسمی در مورد فیلمنامه «نیوکاسل» گفت و گویی داشتیم و او از شکل گیری و تغییرات فیلمنامه در طول کار به ما گفت که شرح این مصاحبه را در ادامه می خوانید.

در ابتدا در مورد شکل گیری سوژه اولیه فیلم سینمایی «نیوکاسل» بگویید.

اواسط سال ۹۴ طرح اولیه «نیوکاسل» نوشته شد که برگرفته از فیلم سینمایی «پارتمان» شاهکار بیلی وایلدر بود. قصه در مورد ملکی قدیمی در بالای شهر است و یکی از شخصیت ها تصمیم می گیرد از این ملک در جهت منافع شخصی خودش بهره ببرد. کم کم روی متن کار کردیم و فیلمنامه نهایی از دل آن خارج شد. قصه های مختلف این قابلیت را دارند که با زبان های گوناگونی بیان شوند و شما در «نیوکاسل» از کمدی استفاده کرده اید. فکر می کنید بیان کمدی به قصه شما چه کمکی کرده است؟

از نگاه من به عنوان نویسنده، طرح اولیه فیلم سینمایی «نیوکاسل» اجتماعی نمادین بود و همین نمادین بودن بعدها در ارشاد برای ما مشکلاتی ایجاد کرد. بیشتر خواست سرمایه گذار